

بررسی علل و عوامل مؤثر بر وقوع سرقت مسلحانه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۱

امیر وطنی^۱، حمید فاطمی موحد^۲

از صفحه ۸۵ تا ۱۰۸

چکیده

زمینه و هدف: رشد بی‌رویه جمعیت در مناطق شهری موجب بروز مشکلاتی چون افزایش بزه‌کاری، حاشیه‌نشینی و... شده است. یکی از مسائل مهم در شهرها، افزایش میزان ناهنجاری‌های اجتماعی و ایجاد احساس ناامنی در بین شهروندان است. پژوهش حاضر با هدف بررسی علل و عوامل جرم سرقت مسلحانه در شهر تهران انجام گرفته است.

روش‌شناسی: روش پژوهش با توجه به موضوع و پرسش آن، ترکیبی از روش‌های توصیفی، تطبیقی و روش علی مقایسه‌ای است. در تجزیه تحلیل داده‌ها از تحلیل‌های آماری استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، جمعیت آماری متشکل از دو گروه مستقل تجربی و کنترل است؛ گروه تجربی شامل کلیه سارقان نگهداری شده و گروه کنترل مشتمل بر کلیه افراد دستگیر شده در سال ۱۳۹۴ است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان دو گروه تجربی و کنترل به لحاظ وضعیت اجتماعی - اقتصادی، میزان پیوند اجتماعی و میزان احساس محرومیت نسبی وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از آن است که بین متغیرهای محرومیت نسبی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، از هم گسیختگی خانواده و پیوند اجتماعی با متغیر سرقت مسلحانه رابطه معناداری وجود دارد. در این میان بین دو متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و پیوند اجتماعی با سرقت مسلحانه ارتباط معکوسی برقرار است.

واژه‌های کلیدی: محرومیت اجتماعی، سرقت مسلحانه، پایگاه اجتماعی اقتصادی، پیوند اجتماعی.

۱ - استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه خوارزمی

۲ - دانشجوی دکتری حقوق جزا دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) email88610@chmail.ir

مقدمه

یکی از جرایمی که به دلیل تأثیرات شدید اجتماعی، از اهمیت زیادی برخوردار است و با حساسیت ویژه‌ای توسط مردم و مطبوعات مورد پیگیری قرار می‌گیرد، سرقت مسلحانه است؛ به‌ویژه آنکه این جرم در نوع شدید آن، معمولاً با جرایم دیگری نظیر قتل و ضرب و جرح همراه است. سرقت‌های مسلحانه علاوه بر به کارگیری سلاح اکثراً به همراه زور، خشونت یا تهدید به خشونت نسبت به قربانیان یا ناظران انجام می‌گیرد. اینگونه سرقت‌ها با تلاش برای گرفتن هر چیز با ارزش که تحت مراقبت، حضانت، و یا کنترل یک فرد و یا افراد است، با توسل به سلاح، زور و یا تهدید به زور یا خشونت و یا ترساندن قربانی همراه است (صفاری، ۱۳۸۹: ۳۲)

سرقت‌های مسلحانه معمولاً در شهرها و شهرک‌های بزرگ روی می‌دهد و بخصوص در مناطق مهم تجاری که در کلان شهر تهران پراکندگی زیادی دارند، اتفاق می‌افتد و از جمله جرایمی می‌باشد که به شدت امنیت عمومی را به مخاطره انداخته و به احساس امنیت عمومی، آرامش ذهنی و سلامت افراد جامعه آسیب وارد می‌نماید. موفقیت در مقابله با این جرم خود به شناخت علل و عوامل بروز این جرم در جامعه بستگی دارد که شناخت هر یک از آنها می‌تواند در حصول به نتیجه، بسیار مؤثر باشد. (همان: ۳۴) در وقوع هر جرم، عوامل متعددی دخالت دارند که عامل انسانی تنها یکی از آنهاست؛ چرا که مسائل اجتماعی، روانی، اقتصادی، خانوادگی و... دست به دست هم می‌دهند و شخص را به سمت انجام عمل خوب یا بد، مجرمانه یا غیر مجرمانه سوق می‌دهند؛ بنابراین شناسایی عوامل مؤثر بر وقوع این جرم می‌تواند در تدبیر چاره‌ای برای پیشگیری از وقوع آن سهم به‌سزایی داشته باشد. بنابراین بررسی علمی علل و عوامل این پدیده در جامعه و دستیابی به بهترین راه‌ها برای کنترل و جلوگیری از آن یک ضرورت محسوب می‌شود. از این در این پژوهش به دنبال عوامل مؤثر بر سرقت مسلحانه هستیم. در واقع این مقاله درصدد پاسخگویی به سوالات زیر است:

- آیا بین محرومیت نسبی و سرقت مسلحانه ارتباط وجود دارد؟
- آیا بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد و سرقت مسلحانه ارتباط وجود دارد؟
- آیا بین از هم گسیختگی خانوادگی خانواده و سرقت مسلحانه ارتباط وجود دارد؟

- آیا بین پیوند اجتماعی و سرقت مسلحانه ارتباط وجود دارد؟

بیان مسئله

مسئله بزهکاری و کجروی از دیر باز در جوامع انسانی مورد توجه صاحب نظران بوده است. در چند دهه گذشته به خصوص در جوامع پیشرفته و صنعتی بحث بزه کاری به یکی از حادترین و پیچیده ترین مسایل اجتماعی بدل شده و بخشی از مباحث انحرافات و آسیب شناسی اجتماعی را به خود اختصاص داده است (احمدی ۱۳۸۴: ۱۲۹).

مجرم شدن فرد و ارتکاب اعمال خلاف نتیجه تأثیر عوامل مختلفی است که بر وی اثر منفی گذاشته و او را از حالت و روال طبیعی خارج و در مسیر غیرطبیعی قرار داده است. افرادی که برای رسیدن به خواسته های خود از هر راه ممکن استفاده می کنند در حقیقت به نوعی در مسیر انحراف و ارتکاب جرم هستند. اهمیت شرایط اقتصادی و اجتماعی در تعیین علل جرم و بزه کاری بر کسی پوشیده نیست، فقر مادی از مهمترین عوامل در شکل گیری انواع سرقت ها است، زیرا فردی که دچار این آسیب اجتماعی شده به دلیل احساس حقارت از جامعه طلبکار شده و چون جامعه را مسئول محرومیت و فقر خود می داند، نوعی احساس انتقام کشی در او پرورش می یابد. نکته مهمی که باید در خصوص بروز سرقت های مسلحانه به آن توجه گردد، عدم اطلاع کافی افراد از مجازات ها، بی اطلاعی از مواد قانونی و عدم اطلاع رسانی دقیق در این موارد است که خود دلیلی است که ممکن است فرد به طمع کسب درآمدهای باد آورده اقدام به انجام این اعمال مجرمانه و خشن نماید. (شامبیاتی، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

جرایم مسلحانه به ویژه سرقت های مسلحانه جبری توأم با تهدید سلاح گرم یا سرد که گاهاً منجر به ضرب و جرح و قتل نیز می شود، اثرات منفی بر امنیت جامعه گذاشته و باعث احساس عدم امنیت جانی و مالی، هراس و تشویش اذهان و نارضایتی آحاد جامعه می گردد، به تبع آن سلب اعتماد از توان دستگاه های برقرارکننده نظم و امنیت همچون قوه قضائیه و نیروی انتظامی را به دنبال خواهد داشت. وقوع چنین جرایمی باعث به وجود آمدن موجی از نگرانی در میان مردم و مسئولین می گردد. با توجه به مطالبی که گذشت پرداختن به مقوله مورد نظر از سوی محققین و کارشناسان انتظامی و دانشگاهی به منظور ریشه یابی و مقابله، امری ضروری است. وجود مشکلات اقتصادی،

اجتماعی، روانی، عاطفی و گاه فرهنگی نیز اشکال ساده تا بسیار پیچیده‌ای را به این جرم بخشیده است. در واقع هنگامی که عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه کاهش یابد، این جرم با تمام پیچیدگیهای خاص خود شیوع قابل توجهی پیدا می‌کند و از جهتی وقتی جرم در جامعه وجود داشته باشد، بر وظایف و عملکرد کلیه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی تأثیرگذار است. البته آسیب اجتماعی این جرم دارای علل و عواملی است که باید آنها را شناخت و در جهت حذف زمینه‌های اجتماعی مساعد برای ابتلای افراد حرکت کرد.

مبانی نظری

آسیب‌ها و مسایل اجتماعی را نمی‌توان تنها به وسیله یک عامل یا علت تبیین کرد. هیچ علتی به تنهایی برای رفتار پیچیده و متنوعی مانند بزه‌کاری نوجوانان کافی نیست. (احمدی، ۱۳۸۴: ۸۳) بحث سرقت‌های مسلحانه از این قاعده مستثنی نیست و عوامل مختلفی در سطح خانواده، مدرسه و جامعه دست به دست هم می‌دهند تا این آسیب اجتماعی شکل بگیرد. تئوری‌های تبیین کننده سرقت در این مقاله به شرح زیر می‌باشند:

نظریه کنترل اجتماعی: نظریه کنترل که در سال ۱۹۶۹ در کتاب علل بزهکاری ارائه شد، خاستگاه نظریه کنترل بزهکاری مبتنی بر این فرض است که اعمال بزهکارانه زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند یا اتصال فرد با جامعه ضعیف یا شکسته می‌شود. هیرشی معتقد بود که برای بزهکار شدن فرد نیازی به عوامل انگیزشی نیست؛ تنها عامل مورد نیاز، فقدان کنترل است که به فرد این آزادی را می‌دهد که فواید جرم را نسبت به هزینه‌های آن عمل بزهکارانه سبک - سنگین کند.

فرضیه اصلی این نظریه ارضاء نشدنی بودن ماهیت انسان است. دیدگاه نظارت اجتماعی بر این عقیده است که افراد اصولاً دارای قابلیت بهنجار بودن یا نابهنجار بودن هستند. نکته اصلی این است که جامعه چه رفتاری با فرد داشته باشد. رفتار بهنجار و نابهنجار تنها در درون جامعه دارای معنی است و هر جامعه‌ای سعی می‌کند که هنجارهای خود را بر فرد تحمیل کند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۲۹). هیرشی که مهم‌ترین پایه‌گذار این نظریه است موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌سازد. او بر این اعتقاد است که کجرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته

شود. هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند: وابستگی^۱، تعهد^۲، درگیری^۳ و اعتقاد^۴

وابستگی

هنجارها شیوه‌های پذیرفته شده رفتار نزد مردم یک جامعه هستند. از نظر هیرشی مبنای اصلی درونی کردن هنجارها، وابستگی به دیگران است. به تدریج که فرد به دیگران وابسته می‌شود، احتمال بزهکار شدن او بسیار کمتر می‌شود. نخستین وابستگی‌ها و تعاملات با والدین است، و به دنبال آن وابستگی به هم‌قطاران، معلمان، رهبران مذهبی، و سایر اعضای جامعه بروز می‌کند. هیرشی مفهوم وابستگی را بر مفهوم درونی‌سازی ترجیح می‌دهد، چون وابستگی را می‌توان مستقل از رفتار انحراف‌آمیز اندازه‌گیری کرد، ولی درونی‌سازی را نمی‌توان به این صورت مورد سنجش قرار داد (همان: ۳۲)

تعهد

تعهد، جزء عقلانی در رعایت هنجارها می‌باشد. به طور کلی، مفهوم آن ترس از رفتار قانون‌شکنانه است. وقتی که فرد به فکر انجام رفتار منحرفانه یا مجرمانه می‌افتد، باید خطرات از دست دادن سرمایه‌گذاری قبلی خود در زمینه رفتار متعارف را در نظر بگیرد. در صورتی که فرد توانسته باشد آوازه مثبتی از خود بر جای بگذارد، تحصیلات ارزشمندی به دست آورد، خانواده حمایت‌کننده‌ای به وجود آورد، و/یا اعتبار و شهرتی در دنیای تجارت به هم بزند، با نقض قانون ضرر هنگفتی را متحمل خواهد شد (ستوده، ۱۳۷۶: ۴۵) مجموعه‌های اجتماعی که فرد در سرتاسر عمر خود انباشت می‌کند، نشان دهنده ضمانت به جامعه است که این فرد به ارزش‌های متعارف، متعهد است. او با نقض قانون چیزهای بیشتری را از دست می‌دهد. نه تنها فرد با چیزهایی که به دست آمده است، به رعایت هنجارها متعهد می‌شود، بلکه حتی امید به دست آوردن دارایی به طرق متعارف می‌تواند تعهد فرد را به پیوندهای اجتماعی تقویت کند. در مقابل کسی کجرفتاری می‌کند که چیزی ندارد که از دست دهد.

1 - Attachment
2 - Commitment
3 - Involvement
4 - Belief

درگیری

دخالت در فعالیت‌های متعارف بیانگر ویژگی درگیر بودن است. هیرشی معتقد است که وقتی فرد درگیر فعالیت‌های متعارف باشد، وقتش به قدری گرفته می‌شود که نمی‌تواند به رفتار انحراف‌آمیز کشیده شود. این تفکر که «دست بیکار، کارگاه شیطان است» در واقع دلیل اصلی این گفته هیرشی است که می‌گوید: «کودکی که پینگ‌پونگ بازی می‌کند، در استخر عمومی شنا می‌کند، یا تکلیفش را انجام می‌دهد، دست به اعمال بزهکارانه نمی‌زند». هیرشی معتقد بود که چنین فردی کمتر فرصت انحراف پیدا می‌کند. مفهوم درگیری سرچشمه برنامه‌هایی با تمرکز بر فعالیت‌های تفریحی مثبت برای پر کردن اوقات فراغت نوجوانان بوده است (احمدی ۱۳۸۴: ۱۳۸).

اعتقاد

ویژگی اعتقاد، به وجود یک سیستم ارزشی مشترک در جامعه‌ای که هنجارهایش نقض می‌شوند، اشاره دارد (همان منبع). نظرات و تصوراتی که وابسته به تقویت مداوم اجتماعی هستند، مشتمل بر اعتقاد هستند احتمال اینکه یک فرد هنجارهای اجتماعی را رعایت کند، اگر به آنها اعتقاد داشته باشد، بیشتر است. هیرشی معتقد بود که افراد از نظر عمق و میزان اعتقاد با یکدیگر تفاوت دارند، و این تغییرات بستگی به میزان وابستگی به سیستم‌هایی دارد که نشان‌دهنده اعتقادات مورد نظر هستند. می‌توان نتیجه گرفت که بر مبنای این نظریه هرچه افراد کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند "پیوند" آنها با جامعه سست‌تر است و احتمال کجرفتاری بیشتر خواهد بود (همان: ۱۳۹).

– **تئوری پیوند افتراقی!** ساترلند (۱۹۶۶) تحت تأثیر نظریات شاو و مک کی معتقد است که: رفتار انحرافی مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق همنشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۱: ۳۳). فرد بزهکار در طول حیات خود از طریق پیوستگی با دیگران انگیزه‌ها و گرایش و ارزش‌های انحرافی را فرا می‌گیرد، به نسبت همنشینی و ارتباطی که با قانون شکنان دارند کجرو می‌شوند و عوامل چندی این تأثیرپذیری را تعیین می‌نمایند از جمله: تماس‌های زیادی با دوستان منحرف، برقراری تماس در سن نوجوانی و جوانی، تعداد زمانهای تماس ساترلند، همچنین؛ رفتار بزهکارانه

را ناشی از تماس با اشخاص در اثر فرآیند یادگیری می‌داند که مخصوصاً از روابط شخصی در داخل یک گروه محدود نظیر: خانواده، مدرسه، کوچه و محله تعلیم گرفته می‌شود (ستوده، ۱۳۷۶: ۶۳). به نظر وی رفتار انحرافی روان‌شناختی و ارثی نیست بلکه مردم در مصاحبت و معاشرت با هم‌نوع، در طول یک جریان جامعه‌پذیری، طغیان و تخطی از هنجارها را آموخته و بسوی رفتار انحرافی کشانده خواهند شد. ساترلند معتقد است افرادی که مرتکب قانون شکنی می‌شوند مطمئناً نسبت به کسانی که مرتکب قانون شکنی نمی‌شوند، ارتباط بیشتری با قانون‌شکنان دارند. او بر این عقیده است که چنین وضعیتی هم برای مردان و هم برای زنان وجود دارد به عبارتی یک فرد زمانی بزهکار می‌شود که در اطراف او بزهکارانی وجود داشته باشد و با آنها ارتباط برقرار نمایند.

– **محرومیت نسبی**^۱: دانشمندان معتقدند که نابرابری درآمد در جوامع مختلف هم تولید فشار می‌نماید و هم باعث افزایش میزان جرم در آنها می‌شود. به خاطر این که شکاف عمده بین فقیر و غنی، کینه‌توزی و عدم اعتماد را به وجود می‌آورد و چنین وضعیتی سرانجام منجر به خشونت و جرم می‌شود. در جوامعی که در آنها نابرابری درآمد افزایش یافته است یک نوع حقارت و سرافکندگی در افراد کم درآمد ایجاد می‌شود که این عامل باعث ایجاد انگیزه‌های مجرمانه در برخی از این افراد می‌گردد. روان‌شناسان یادآوری کرده‌اند که تحت این شرایط مردان جوان نسبت به وضعیت خود نگران خواهند شد، در نتیجه نسبت به افرادی که از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند حسادت خواهند ورزید. چنانچه آنها نسبت به استفاده از شیوه‌های پرخاشگرانه و مخاطره‌آمیز در رقابت‌های اجتماعی ناتوان باشند، شانس کم‌تری برای موفقیت‌های آینده خواهند داشت. به همین خاطر اکثر این افراد مرتکب جرم و خشونت می‌شوند. این فرآیند تحت عنوان تئوری محرومیت نسبی بیان گردیده است. (ممتاز، ۱۳۸۱: ۳۶).

مفهوم محرومیت نسبی توسط جامعه‌شناسان جو دیس بلاو و پیتز بلاو (۱۹۸۲) مطرح شده است. آنها مفاهیمی را از تئوری آنومی با مفاهیمی که در مدل‌های بی‌سازمانی اجتماعی یافت شده است، ترکیب کرده‌اند. بر طبق نظر آنها، افراد طبقات پایین ممکن است هنگام مقایسه شرایط زندگی خود با افراد ثروتمند، احساس محرومیت نمایند. این احساس محرومیت منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی

1 - Relative deprivation theory

گردیده و عدم اعتماد را در آنها پرورش می‌دهد. در نتیجه شانس پیشرفت آنها از طریق معیارهای مشروع مسدود می‌گردد و احساس ناتوانی را به وجود می‌آورد که دشمنی و پرخاشگری و سرانجام خشونت و جرم را به دنبال خواهد داشت (مبارکی، ۱۳۸۳: ۷۶).

- تئوری آنومی و ساختار خانواده^۱: ضعف پشتیبانی خانواده، اختلافات خانوادگی، ضعف توافق و تجانس پدر و مادر، محل سکونت نامناسب، فقر اقتصادی، جدائی والدین، بیماری پدر یا مادر، مرگ پدر یا مادر، پیش آمد خطر یا روی کردن بدبختی، خطر تنهائی، تاریکی، آب و هوای نامساعد، تصادف بد، آتش سوزی، کمی یا کاستی زندگی، کمی غذا، فقر مادی، نداشتن مصاحبت و دوست خوب، کمبود تنوع در اوقات فراغت، بدرفتاری خانواده، بدرفتاری معاشران و اطرافیان، حقارت اجتماعی، ضعف پشتیبانی و حمایت‌های اجتماعی. مهمترین عواملی اند که به اعتقاد یونگ سبب رشد و شکفتگی شخصیت می‌شوند، یعنی آدمی را بتدریج به سوی کمال می‌برند و در واقع خود را می‌سازند عبارتند از: ۱- میراث نیاکان ۲- هدف‌های زندگی ۳- نیروی روانی ۴- نشانه‌های رمزی ۵- اصل دو قطبی یا تضاد (همان: ۹۵) آلفرد ادلر (۱۹۸۹)^۲ عواملی نظیر: ۱- حقارت ۲- برتری جوئی ۳- غایت و غرض خیالی ۴- مصلحت اجتماعی ۵- خودآگاهی ۶- شیوه زندگی ۷- خودخلاق بر شخصیت تأثیرگذار می‌داند (سلیمی، ۱۳۸۰: ۱۰۹). ویلیام گود با استعانت از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده بعنوان مهمترین نهاد اجتماعی کننده ساختار خانواده سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کجرو دخیل می‌داند. به نظر وی؛ هنگامی که یک یا چند تن از اعضای یک خانواده بتوانند وظایف و نقش خود را بطور مناسب و شایسته‌ای انجام ندهند از هم گسیختگی خانوادگی بوجود می‌آید و این از هم گسیختگی باعث انحراف اعضای آن خانواده خواهد بود (ممتاز، ۱۳۸۱: ۴۷) ویلکینسن و هیرشی در مورد فروپاشی نظام مبتنی بر عقاید قبلی (سنتی) در خانواده و پدیده طلاق پژوهش کرده اند و آن را متغیر مهمی در انحراف نوجوانان و جوانان از قوانین جامعه می‌دانند. نای محقق دیگری است که اضافه می‌کند

1 - Anomie and family structure

2 - Alfred Aider

خانواده و جامعه از طریق سه عامل نظارت درونی، نظارت غیرمستقیم و ارضای نیازها باعث تقویت پیوند اجتماعی افراد می‌گردد. در کل هیرشی^۱، ت، و کلس^۲، و نای اف^۳ بر این اعتقادند؛ کج رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه با محیط‌های اجتماعی وابستگی^۴، تعهد^۵، درگیری^۶، و دارای اعتقاد ضعیف باشد یا گسسته شود(همان: ۵۹).

پیشینه پژوهش

در بررسی پژوهش‌ها و تألیفات دیگر محققان و مؤلفان در مورد موضوع مقاله با مراجعه به منابع علمی پژوهش مستقلی در خصوص علل و عوامل سرقت‌های مسلحانه یافت نشد ولی به برخی از موارد مشابه در ادامه اشاره می‌شود:

در پژوهشی با عنوان جنسیت، دلبستگی والدین و بزهکاری نتایج نشان می‌دهد که پیوندهای مورد نظر هرشی توان پیش‌بینی کنندگی بزهکاری جدی^۷ و غیر جدی را دارند. در هر دو جنس هنگامی که دلبستگی و تعهد به والدین و مدرسه افزایش یابد بزهکاری کاهش می‌یابد. برعکس نظر هرشی، افزایش در دلبستگی و تعهد به گروه همسالان بزهکار، افزایش بزهکاری را به همراه دارد (گاندی^۸، ۲۰۰۷: ۱۰۲) الدر در پژوهش خود نشان می‌دهد گرفتاری والدین و بخصوص پدر نقش مهمی در رشد نوجوان در دسترسی به تحصیلات آکادمیک، بزهکاری، خشونت و سلامت ذهنی دارد (الدر^۹، ۲۰۰۷: ۱۳۱).

هوشمند و کوه شکاف (۱۳۸۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی پدیده سرقت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در استان کردستان نشان دادند افرادی که در طبقات پایین اجتماعی به لحاظ شغل، تحصیلات، درآمد و... قرار دارند به دنبال فرایند دیگری برای جبران بوده و به سمت شرکت در گروه‌های منحرف و مجرم که از ابزار غیر مشروع

1- Hirshi
2-Reckless, W
3- Nye.F
4- attachment
5 -commitment
6 -involvement
7- Serious
8 - Gundy
9 - Elder

برای دستیابی به همان موقعیت‌ها استفاده می‌کنند، سوق می‌یابند. از طرف دیگر، این افراد در فرایند انطباق با ارزشها و هنجارهای اجتماعی به ناچار باید هزینه بیشتری بپردازند که به واسطه توقعات و انتظارات ناچیز دیگران از آنها معنی پیدا کرده است. در این فرایند فرد در چارچوب گروه‌های منحرف اجتماعی، باز اجتماعی شدن را تجربه می‌کند و در ارتباطات متقابل رفتار انحرافی خود را بروز می‌دهد. اطرافیان و خانواده به وضع فعلی او عادت کرده و در برابر رفتارهای انحرافی بی تفاوت و سهل گیر می‌شوند. قبح زندان شکسته و ارتباط با دوستان منحرف به او آرامش می‌دهد. بدین ترتیب شبکه ارتباطات او با سارقان، مال خران و واسطه‌ها گسترده‌تر شده و شیوه نوین زیستن را می‌آموزد. ایشان در نهایت نتیجه می‌گیرند: چنانچه علل بیرونی، فرد را به سمت سرقت اولیه سوق داده، در همان حال، برخی عوامل بر روی او فشار وارد کرده که از انحراف دوری کند اما در دفعات بعد عوامل تشدید کننده جدید او را به سمت موفقیت بیشتر در سرقت سوق می‌دهد. بنابراین سارقین وارد دنیای جدید اجتماعی به مثابه یک سیستم اجتماعی می‌شوند که علت بروز آن سارقان هستند. پس، اگر قرار است با سرقت مبارزه شود به جای مبارزه با سارق و همزمان با آن، باید به اصلاح و بازسازی سیستمی اجتماعی همت گماشته که سارق ساز است (هوشمند و کوه شکاف ۱۳۸۱).

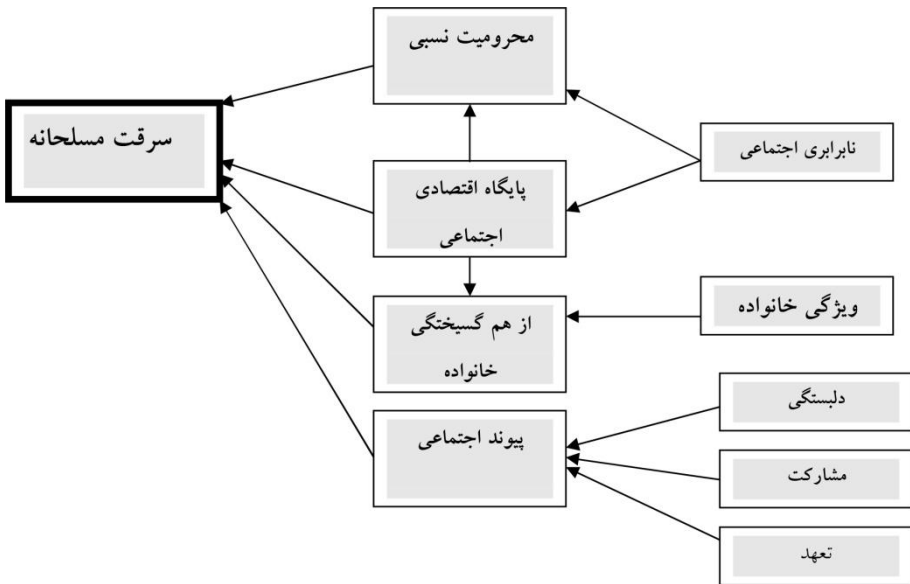
بابایی بنایی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر ارتکاب سرقت در شهر تهران» نشان داد: میزان تحصیلات، اعتیاد به مواد مخدر، فقر، رابطه با دوستان ناباب، خرده فرهنگ کج رو، ناکامی، یأس و خانواده عواملی بودند که وجود رابطه‌ی میان آنها و ارتکاب سرقت مورد تأیید قرار گرفت و از بین عوامل فوق چهار عامل: اعتیاد به مواد مخدر، سطح تحصیلات، رابطه با دوستان ناباب و یأس بیشترین تأثیر را بر ارتکاب سرقت داشته‌اند (بابایی بنایی، ۱۳۸۲).

معدنی (۱۳۷۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی آسیب شناسی اجتماعی سرقت در شیراز» پرونده وضعیت ۳۷۳ سارق را مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش ایشان نشان داد بیکاری و اعتیاد از عوامل عمده سرقت هستند. در بررسی تأثیر ارزش‌های اجتماعی سرقت در استان فارس تأثیر عوامل ذهنی از جمله قضاوت‌های خانواده بالاخص در اوایل زندگی و گروه دوستان به دلیل ارتباط بیشتر و رویارویی با فرد بیشترین تأثیر بر سرقت افراد دارد و عامل مهاجرت و افزایش حضور مهاجران را از جمله عوامل افزایش سرقت

در استان فارس اشاره کرده است (معدنی ۱۳۷۰)

افشاری (۱۳۷۳) در بررسی علل شیوع جرم سرقت در اطفال و نوجوانان بزهکار در شهرستان مشهد با ارائه گزارش پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی، محیط و عوامل اجتماعی در شیوع سرقت اطفال و نوجوانان بزه‌کار پرداخته است. هم‌چنین فقر عاطفی، عقده حقارت، محرومیت و ناکامی و در بخش عوامل اجتماعی بیش از همه تأثیر محیط خانوادگی و عواملی همچون شغل و میزان تحصیلات پدر و مادر، خصوصیات اخلاقی، ضعف ایمان و مبانی اعتقادی والدین، از هم گسیختگی خانواده و محیط متشنج و نامطلوب خانوادگی (از جهات مختلف) از عوامل مؤثر در بروز سرقت می‌باشد (افشاری ۱۳۷۳).

الگوی مفهومی پژوهش



نمودار شماره (۱): الگوی مفهومی پژوهش

همان‌گونه که مدل مفهومی بالا نشان می‌دهد متغیرهای محرومیت نسبی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، از هم گسیختگی خانواده و پیوند اجتماعی متغیرهای مستقل پژوهش بوده که تأثیر مستقیمی بر متغیر وابسته پژوهش یعنی سرقت مسلحانه می‌گذارند. در این مدل نشان داده شده است که متغیرهای محرومیت نسبی و پایگاه- اقتصادی- اجتماعی به نابرابری اجتماعی و متغیر از هم گسیختگی خانواده به ویژگی خانواده می‌پردازد. متغیر پیوند اجتماعی نیز بر دل‌بستگی، تعهد و مشارکت افراد ناظر است.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- تفاوت معنی‌داری میان میزان محرومیت نسبی در دو گروه بزه‌کار (سارق) و غیربزه‌کار (غیر سارق) وجود دارد.
- ۲- تفاوت معنی‌داری میان پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده بزه‌کار (سارق) و غیر بزه‌کار (غیرسارق) وجود دارد.
- ۳- از هم گسیختگی خانوادگی در بزه‌کاران (سارق) نسبت به گروه غیر بزه‌کار (غیرسارق) بیشتر است.
- ۴- میزان پیوند اجتماعی در دو گروه بزه‌کار (سارق) و غیربزه‌کار (غیرسارق) متفاوت است.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش علی- مقایسه‌ای یا پس رویدادی استفاده شده است. کلینجر معتقد است که پژوهش پس رویدادی عبارت است از مطالعه عینی و منظمی که در آن پژوهشگر کنترل مستقیم بر متغیر مستقل ندارد (دلاور، ۱۳۸۰: ۳۹). پژوهش علی - مقایسه‌ای به پژوهش‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی آن می‌پردازد.

جامعه آماری بنا به ماهیت روش پژوهش این مطالعه (علی - مقایسه‌ای) به‌الزام از دو جامعه آماری برای مقایسه استفاده شده است که عبارتند از:

- ۱- گروه تجربی: شامل کلیه مردان ۱۸ سال به بالای هستند که در پایگاه‌های آگاهی شهر تهران مرتکب سرقت مسلحانه شده‌اند. در زمان اجرای پژوهش و جمع‌آوری

اطلاعات (سال ۱۳۹۴) تعداد این افراد ۹۰ نفر بودند.

۲- گروه کنترل: شامل مردان بالای ۱۸ سال سطح شهر تهران می‌باشند. جهت مقایسه با گروه تجربی، از گروه کنترل ۹۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده است (چون تعداد نمونه گروه تجربی ۹۰ نفر بوده جهت مقایسه از گروه کنترل همین تعداد انتخاب شده است). سعی بر آن بوده که دو جامعه مورد مطالعه شبیه به هم باشند ولی به علت آنکه پیدا کردن دو گروه که از هر نظر شبیه هم باشند، قدری مشکل است، بنابراین مهم‌ترین متغیری که هم‌سنخی دو گروه تجربی و کنترل را نشان می‌دهد، عامل سن است به طوری که سعی شده است که به لحاظ این متغیر جهت مقایسه و بررسی همانند هم باشند.

تفاوت اساسی در دو گروه مورد مطالعه ارتکاب و عدم ارتکاب جرم (سرقت مسلحانه) است. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش برای افراد غیرسارق از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده است. در گروه تجربی کلیه مردانی که در پایگاه آگاهی تهران دستگیر شده بودند مورد مطالعه قرار گرفتند و کل شماری از آنها صورت گرفت.

برای سنجش پایایی شاخص‌ها و میزان همبستگی درونی گویه‌هایی که شاخص‌ها را تشکیل می‌دهند حدود ۳۵ پرسشنامه قبل از اجرای پرسشنامه اصلی پر شده است و با استفاده از آلفای کرونباخ همبستگی درونی گویه‌هایی که شاخص‌ها را تشکیل می‌دهند سنجیده شد و گویه‌هایی که همبستگی پایینی با دیگر گویه‌ها برای ساخت شاخص‌ها داشته‌اند حذف گردیده‌اند.

جدول شماره یک میزان آلفای کرونباخ شاخص‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱): میزان آلفای کرونباخ برای شاخص‌های پژوهش

شاخص	میزان آلفا
پیوند اجتماعی	٪۸۲
پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده	٪۸۱
محرومیت نسبی	٪۸۶

میزان آلفای کرونباخ مورد تأیید و قابل قبول ٪۷۰ می‌باشد، فلذا همان‌گونه در جدول شماره یک مشاهده می‌شود، شاخص‌های پیوند اجتماعی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده و محرومیت نسبی از پایایی لازم برای سنجش برخوردار هستند.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته و ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان اطلاعات حاصل نشان می‌دهد که:

- ۳۴/۳ درصد از پدران و ۳۷/۸ درصد از مادران سارق بی سواد هستند.
- حدود ۳۵/۵ درصد از پدران افراد سارق، شاغل و حدود ۲۹/۲ درصد بیکار فصلی‌اند.
- ۵۲/۲ درصد از سرقتها در ظهر و بعد از ظهر اتفاق افتاده است.
- ۴۵ درصد از سارقان فقر را عامل سرقت خود می‌دانند.
- برحسب توزیع سنی بیشترین درصد پاسخگویان متعلق به گروه سنی ۲۹ سال با ۳۴/۵ درصد است، ۲۶/۶ درصد هم دارای تحصیلات ابتدایی هستند.
- ۵۱/۲ درصد از سارقان در خانواده‌های بین ۴ تا ۶ نفر زندگی می‌کنند.

ب) یافته‌های استنباطی

در ادامه فرضیه‌های پژوهش به آزمون گذاشته شده اند که نتایج آن به شرح زیر است:

فرضیه اول

جدول شماره (۲): تفاضل میانگین گروه تجربی و کنترل در خرده مقیاس محرومیت نسبی

نوع گروه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
گروه تجربی (سارق)	۲۸/۰۱	۴/۹۵	۱۳/۲۵	۰/۰۱
گروه کنترل (غیرسارق)	۱۵/۹۶	۵/۹۲		

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، مقدار t محاسبه شده برابر با ۱۳/۲۵ می‌باشد. سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و فرض مخالف یعنی فرض پژوهش اثبات می‌شود؛ بنابراین با توجه به اختلاف میانگین‌ها، بین گروه تجربی (سارق) و گروه کنترل (غیرسارق) به لحاظ میزان محرومیت نسبی تفاوت وجود دارد. بر این اساس معیار محرومیت نسبی بر مقایسه اجتماعی فرد با افرادی است که به از نظر مالی در وضعیت بهتری از او هستند و در نتیجه یکی از روش‌های ممکن

سرقت از افرادی است که او دسترسی بیشتری دارد و نسبت به او در وضعیت بهتری مالی قرار دارند.

فرضیه دوم

جدول شماره (۳) تفاضل میانگین گروه تجربی و کنترل در خرده مقیاس پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده

نوع گروه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
گروه تجربی (سارق)	۵/۲۴	۲/۰۲	-۱۲/۳۴	۰/۰۰
گروه کنترل (غیرسارق)	۱۲/۱۴	۳/۰۱		

همان طور که در جدول بالا مشاهده می شود، مقدار t محاسبه شده برابر با ۱۲/۳۴- می باشد چون سطح معناداری کوچک تر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر رد می شود و فرض مخالف یعنی فرض پژوهش مورد تأیید قرار می گیرد؛ بنابراین با توجه به اختلاف میانگین ها، بین دو گروه تجربی (سارق) و گروه کنترل (غیرسارق) به لحاظ وضعیت پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانوادگی تفاوت وجود دارد. تحلیل های پژوهش حاکی از آن است بزهکارانی که به لحاظ وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانوادگی در مراتب پایین تری قرار دارند بیشتر احتمال دارد به سمت سرقت کشیده شوند.

فرضیه سوم

جدول شماره (۴): تفاضل میانگین گروه تجربی و کنترل در خرده مقیاس گسیختگی خانواده

نوع گروه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
گروه تجربی (سارق)	۱۸/۴۴	۹/۱۷	۷/۹۰	۰/۰۰
گروه کنترل (غیر سارق)	۱۰/۴۱	۶/۱۳		

همان طور که در جدول بالا مشاهده می شود مقدار t محاسبه شده برابر با ۷/۹۰ است. چون سطح معناداری کوچک تر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر رد می شود و فرض مخالف یعنی فرض پژوهش مورد تأیید قرار می گیرد؛ بنابراین با توجه به اختلاف میانگین ها، بین دو گروه تجربی (سارق) و گروه کنترل (غیرسارق) به لحاظ میزان از هم گسیختگی خانوادگی تفاوت وجود دارد. عامل گسیختگی خانواده یکی از عواملی است که میزان آن در خانواده های سارق بیشتر از خانواده های غیرسارق است و یکی از فاکتورهای تأثیرگذار در جرم سرقت مسلحانه و کشیده شدن آنها به سمت انحراف است.

فرضیه چهارم

جدول شماره (۵): جدول معناداری تفاضل میانگین گروه تجربی و کنترل در خرده مقیاس پیوند اجتماعی

نوع گروه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
گروه تجربی (سارق)	۶۲/۰۳	۱۴/۸۰	-۱۲/۵۰	۰/۰۲
گروه کنترل (غیرسارق)	۸۰/۷۹	۹/۰		

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود مقدار t محاسبه شده برابر با ۱۲.۵۰- است. چون سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و فرض مخالف یعنی فرض پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ بنابراین با توجه به اختلاف میانگین‌ها، بین دو گروه تجربی (سارق) و گروه کنترل (غیرسارق) به لحاظ میزان پیوند اجتماعی تفاوت وجود دارد. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که سارق دارای پیوند اجتماعی کمتری نسبت به غیرسارقان است، و به همین دلیل معیارها و قید و بند کمتری دارد و احتمال به انحراف کشیده شدن هم بیشتر است.

نتیجه‌گیری

سرقت مسلحانه از جمله جرایم خشن و آسیب‌های اجتماعی است که تأثیرات و تبعات منفی بسیاری را در جامعه به همراه دارد و قرین با ترس و وحشت است. پژوهش حاضر به مطالعه عوامل موثر بر سرقت مسلحانه در شهر تهران می‌پردازد. نتایج آمار توصیفی بیانگر آن است که ۳۴/۳ درصد از پدران و ۳۷/۸ درصد از مادران سارق بی سواد هستند. حدود ۳۵/۵ درصد از پدران افراد سارق، شاغل و حدود ۲۹/۲ درصد بیکار فصلی‌اند. ۵۲/۲ درصد از سرقتها در ظهر و بعد از ظهر اتفاق افتاده است. ۴۵ درصد از سارقان فقر را عامل سرقت خود می‌دانند. برحسب توزیع سنی بیشترین درصد پاسخ‌گویان متعلق به گروه سنی ۲۹ سال با ۳۴/۵ درصد است، ۲۶/۶ درصد هم دارای تحصیلات ابتدایی هستند. برحسب توزیع سنی بیشترین درصد پاسخ‌گویان متعلق به گروه سنی ۲۹ سال با ۳۴/۵ درصد است، ۲۶/۶ درصد هم دارای تحصیلات ابتدایی هستند. ۵۱/۲ درصد از سارقان در خانواده‌های بین ۴ تا ۶ نفر زندگی می‌کنند. نتایج آمار استنباطی حاکی از آنست که بین متغیرهای مستقل پژوهش و متغیر وابسته ارتباط معناداری وجود دارد. بدین معنا که بین متغیرهای محرومیت نسبی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، از هم

گسیختگی خانواده و پیوند اجتماعی با متغیر سرقت مسلحانه رابطه معناداری وجود دارد. در این بین دو متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و پیوند اجتماعی با سرقت مسلحانه و پیوند اجتماعی ارتباط معکوسی برقرار است. بدین معنا که با افزایش و کاهش این دو متغیر مستقل، میزان متغیر وابسته (سرقت مسلحانه) به ترتیب کاهش و افزایش خواهد یافت. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که چارچوب نظری استفاده شده به خوبی یافته‌های پژوهش را حمایت و تأیید می‌کند. هیرشی معتقد بود که برای بزهکار شدن فرد نیازی به عوامل انگیزشی نیست؛ تنها عامل مورد نیاز، فقدان کنترل است که به فرد این آزادی را می‌دهد که فواید جرم را نسبت به هزینه‌های آن عمل بزهکارانه سبک - سنگین کند. فرضیه اصلی این نظریه ارضاء نشدنی بودن ماهیت انسان است. دیدگاه نظارت اجتماعی بر این عقیده است که افراد اصولاً دارای قابلیت بهنجار بودن یا نابهنجار بودن هستند. نکته اصلی این است که جامعه چه رفتاری با فرد داشته باشد. رفتار بهنجار و نابهنجار تنها در درون جامعه دارای معنی است و هر جامعه‌ای سعی می‌کند که هنجارهای خود را بر فرد تحمیل کند. (ممتاز، ۱۳۸۱: ۲۹) هیرشی که مهم‌ترین پایه گذار این نظریه است موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌سازد. او بر این اعتقاد است که کجرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود. هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند: وابستگی^۱، تعهد^۲، درگیری^۳ و اعتقاد^۴. در قالب نظریه فشار- محرومیت^۵، فقدان سرمایه اجتماعی بر مبنای عدم دسترسی به منابع کمیاب، چون؛ اشتغال و آموزش مورد بررسی قرار می‌گیرد. نظریه فشار مدعی است که وقایع استرس‌آور در خانواده یا محیط زندگی، موجب عواطف منفی شده و حاصل آن بزه‌کاری است. به خصوص زمانی که تحقق این وقایع، همراه با فقدان منابع هنجاری چون؛ عدم حمایت والدین و همسالان باشد (کاتز، ۲۰۰۲: ۳۱). نظریه فشار بر این ایده تأکید دارد که افراد، در مواجهه با فشارهای اجتماعی، در صورت عدم دسترسی به منابع لازم، دچار نوعی احساس محرومیت و سرخوردگی شده و آماده نقض و شکستن هنجارها و ورود به

1 - Attachment

2 - Commitment

3 - Involvement

4 - Belief

5- Deprivation/strain theory

عرصه رفتارهای پرخطر، بزهکارانه و اعمال مجرمانه، می‌شوند که در صورت برخورداری از منابع ارتباطی و هنجارهای مناسب، می‌توانند در مواجهه با فشارهای اجتماعی خود را باز تعریف نمایند و از ورود به عرصه‌های مجرمانه، پرهیز و اجتناب نمایند.

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهشی که توسط محسنی تبریزی و پروین (۱۳۸۸) در خصوص عوامل موثر بر سرقت نوجوانان شهر کرمانشاه انجام شده است مشابه می‌باشد. در هر دو پژوهش بین متغیر نابرابری اجتماعی و پیوند اجتماعی با سرقت رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج این پژوهش با پژوهشی که توسط ملکمیان و شریفیان (۱۳۸۸) در خصوص عوامل موثر بر جرم انجام شده است مشابه می‌باشد. در هر دو پژوهش بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و نیز از هم گسیختگی خانواده و جرم رابطه معناداری دیده می‌شود.

پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر در سه سطح در جهت کشف علل و عوامل سرقت مسلحانه و مقابله با آن ذکر می‌شود:

الف) اقدامات پیشگیرانه وضعی

- هماهنگ کردن بخش‌های عمومی و خصوصی که در زمینه پیشگیری از وقوع جرم فعالیت دارند؛ مانند نیروی انتظامی، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش، شهرداری‌ها، شوراهای امور جوانان، بهزیستی و... به منظور اجرای برنامه عملی پیشگیرانه؛
- آگاهی دادن به خانواده‌ها برای نظارت و کنترل بیشتر آنان بر فرزندان و گوشزد کردن میزان مجازات جرایم در صورت ارتکاب جرم؛
- اطلاع رسانی شفاف رسانه‌های جمعی برای تشویق جوانان درباره تسهیلات و فرصت‌هایی که جامعه برای آنان قرار داده است؛
- افزایش اقدامات امنیتی برای مراقبت از مراکز حساس تجاری، بانکی و....

ب- اقدامات مربوط به خانواده

- توجه به مشکلات اخلاقی، رفتاری همچون تماس و معاشرت با جنس مخالف، شرکت در مجالس لهو و لعب، فرار از منزل، غیبت از مدرسه، اقدام به خودکشی، سرقت‌های خرد، دروغ‌گویی، اعتیاد، ولگردی و...

- توجه به مشکلات عاطفی، روانی، همچون افسردگی، خیال بافی، بدبینی، خودکم بینی، خودبزرگ بینی، زود رنجی، خودنمایی، ترس، اضطراب، پرخاشگری، حسادت، کم حرفی و وسواس؛

- دوستی با فرزند و حذف فاصله والدین با فرزندان، به گونه‌ای که آنان به راحتی مشکلات و نیازهای خود را به والدین بگویند؛

- ایجاد بستر مناسب برای احساس امنیت، آرامش، صفا و صمیمیت و درک متقابل والدین و فرزندان؛

- تلاش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان توسط والدین؛

- توجه به نیازهای روحی و عاطفی اطفال و نوجوانان و ایجاد فضای مطلوب و آرام در خانواده؛

- مراقبت والدین نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود؛

- برنامه ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛

ج) اقدامات سایر نهادهای اجتماعی

- تقویت ارتباط میان والدین دانش آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی؛

- تقویت مراکز مشاوره مفید و کارآمد در مدارس؛

- بها دادن به مسئله ترک تحصیل و یا اخراج دانش‌آموزان از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده‌های آنان؛

- اعمال مجازت‌های سنگین، علنی و جدی (در ملأ عام) برای باندهای سارقین مسلح و...؛
- تقویت نظارت‌های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت‌های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر برای پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی‌های اجتماعی؛
- برنامه‌ریزی اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه، و پی‌گیری منطقی نیازهای جوانان، تأمین امنیت و نیاز شهروندان؛
- جلوگیری از مهاجرت‌های بی رویه به شهرهای بزرگ و جلوگیری از پرداختن جوانان به اشتغال‌های کاذب؛
- ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی، مشاوره‌ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛
- ایجاد تسهیلات لازم برای جوانان و نوجوانان از قبیل وام ازدواج، وام مسکن، وام اشتغال، و...؛
- ایجاد بستر مناسب برای ایجاد بیمه همگانی، بیمه بیکاری، و برخورداری جوانان از تسهیلات اجتماعی و...؛
- کنترل حضور اتباع غیر مجاز به دلیل افزایش فرصت‌های شغلی افراد بدون تخصص داخلی؛
- ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد با تخصص و علم کافی؛
- فراهم کردن موقعیت‌ها و بسترهای لازم در جامعه تا زندانیان پس از آزادی از زندان مورد پذیرش جامعه واقع شوند و شغل آبرومندانه‌ای به دست آورند، در غیر این صورت، مجدداً دست به اقدامات بزهکارانه خواهند زد؛
- از جمله عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، بیکاری و فقر می‌باشد، می‌بایست با برنامه‌ریزی دقیق، که نیاز به عزم ملی دارد، نسبت به اشتغال در جامعه و ریشه‌کنی فقر و بیکاری اقدام لازم و بایسته صورت گیرد.

پیشنهادهای کاربردی - تجربی

- نشان دادن اقتدار، دانش علمی و تجربی نیروهای انتظامی و به تصویر کشیدن برخورد قاطع آنها با مجرمین از طریق صدا و سیما؛
- ضرورت آشنایی نیروهای نظامی و انتظامی با انحرافات اجتماعی و نحوه برخورد با آنان؛
- اتخاذ تدابیر امنیتی بیشتر توسط کلانتری‌ها در مناطق جرم خیز و نظارت بیشتر بر مجرمان شناخته شده؛
- استفاده از اطلاعات و توانمندیهای نیروهای بسیج که در بطن محلات بوده و بر نقاط و اشخاص مرتبط با جرم به خوبی اشرافیت دارند؛
- گسترده نمودن فعالیت‌های منابع و مخبرین در جهت جمع آوری اخبار؛
- تعامل با شهرداری جهت بر طرف کردن موانع کار پلیس مانند کوجهای تنگ و تاریک و مناطق کم جمعیت و تاریک؛
- توسعه پلیس محله محور و استفاده از نگهبانان محله به صورت جدی؛
- اختصاص نیروی انسانی کارآمد و مناسب از طریق معاونت نیروی انسانی ناجا به کلانتری‌ها؛
- برگزاری کلاس‌های آموزشی مستمر جهت بالا بردن دانش و آگاهی انتظامی؛
- تشکیل کمیته‌های هماهنگی به منظور هماهنگ نمودن هر چه بیشتر واحدهای تخصصی درون سازمانی و برون سازمانی در فرایند پیشگیری از سرقت‌ها؛
- اتخاذ تدابیر مناسب به منظور به کارگیری و استفاده روسای کلانتری‌ها از سیستم جامع و بانک‌های اطلاعاتی سازمان‌های مختلف؛
- تشکیل کمیته‌های هماهنگی با حضور نمایندگان تام الاختیار قوه قضائیه و ناجا مرتبط با پیشگیری از سرقت و جرایم دیگر و تبادل نظر در رابطه با قوانین و مقررات جاری و اخذ تصمیمات مقتضی به منظور رفع نقاط ضعف هر یک از واحدها؛

- فراگیری آخرین شیوه‌ها و فنون خاص پیشگیری از جرایم به خصوص سرقت‌های مسلحانه، و برگزاری دوره‌های آموزشی و آموزش روسای یگان‌ها؛
- تجهیز پلیس برای مقابله جدی با باندهای مخوف و انواع گوناگون بزهکاری اجتماعی در جامعه؛
- دستگیری محکومان سرقت‌های مسلحانه در اولویت پلیس قرار گیرد؛
- نزدیک کردن روبه‌های قضایی و انتظامی در مبارزه با سرقت‌های مسلحانه.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات. انتشارات سمت.
- امیری، غلامرضا (۱۳۹۳). مجازات‌های اسلامی، مجموعه کامل قوانین و مقررات جزائی جمهوری اسلامی، نشر میزان
- افشاری، محمد (۱۳۷۳). بررسی علل شیوع جرم سرقت در اطفال و نوجوانان بزه‌کار شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- بابایی بنایی، مسعود (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب سرقت در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
- پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۷۶). فرهنگ جامعه روان‌شناسی - روان‌پزشکی، چاپ دوم. تهران: نشر فرهنگ.
- دلاور، علی (۱۳۸۰). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات شد.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۴). بزه‌کاری اطفال و نوجوانان، مؤسسه انتشاراتی ویستار.
- خلعتبری، عبدالحسین؛ خوشزاد، رضا؛ احمدی، احمدرضا (۱۳۸۴). سرقت‌های مسلحانه. کتاب سرای تندیس
- ستوده، هدایت‌اله (۱۳۷۶). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور.
- سلیمی، علی؛ دوری، محمد (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی کجروی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۹). حقوق جزای عمومی، چاپ نهم، جلد دوم، تهران: ژوبین.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی. انتشارات آن.
- صفاری، محسن (۱۳۸۹). سرقت مسلحانه در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه. تهران: بازتاب اندیشه.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۲). مبانی جامعه‌شناسی جنایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محسنی، منوچهر (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات طهوری.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول
- مشکانی، محمدرضا؛ مشکاتی، زهرا سادات (۱۳۸۱). سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده و بزه‌کاری نوجوانان. انجمن جامعه‌شناسی ایران شماره ۲.

- معدنی، سعید (۱۳۷۳). بررسی آسیب‌شناسی اجتماعی سرقت در شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- مبارکی، محمد (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). وندالیسم. انتشارات آن.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۲). جرائم علیه اموال و مالکیت. چاپ سی و هشت، تهران: نشر میزان.
- هوشمند، احسان؛ ناهید کوه‌شکاف (۱۳۸۱). پدیده سرقت و عوامل اجتماعی و مرتبط با آن در استان کردستان. مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌های اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- Elder. E. charlotte (2007). Father involvement as a protective factor among delinquent adolescents. University of Maryland.
- Gundy. V. Alana (2007). Gender. Parental attachment and delinquency: revisiting hirschils social bond theory, university of Cincinnati.
- Katz, Rebecca. S. (2002). Re-Examining the Integrative social capital theory of crime, Western Criminology Review. 4(1).
- Siegel. Larry (2011). Criminology theories, patterns and typologies, wansworth a division of Thomson Learning.